



### تحلیل مفهومی تربیت دینی

\*سید مازیار موسوی گسکمین<sup>۱</sup>

#### چکیده:

تربیت دینی ترکیبی از مفاهیم تربیت و دین است لذا فهم تربیت دینی در گام نخست منوط به فهم مستقل هر یک از این مفاهیم می باشد و زمانی که فهم دقیقی از مفاهیم تربیت و دین بدست نیامده باشد فهم صحیحی از تربیت دینی حاصل نمی شود. اما با توجه به گستردگی ابعاد تربیت و دین و از سوی دیگر تعاریف گوناگونی که از این مفاهیم توسط اندیشمندان در طول تاریخ شده است رسیدن به یک فهم جامع و مشترک از این مفاهیم، و به تبع آن تربیت دینی کار چندان ساده ای نیست. نویسنده در نوشتار حاضر، ضمن تحلیل و بررسی سیر تاریخی، موقعیت ها و بسترهای به کار رفته ی هر یک از این مفاهیم؛ ادعا می کند با گذشت زمان و هم افزایی هایی که در طول تاریخ بشریت انجام شده است، رسیدن به تعریفی جامع از تربیت، گرچه ممکن به نظر می رسد اما رسیدن به تعریفی جامع و واحد از دین، که همه اندیشمندان در آن اتفاق نظر داشته باشند، امکان پذیر نخواهد بود. بنابراین فهم ترکیب این دو مفهوم یعنی تربیت دینی، با فهم تربیت، حل و فصل نخواهد شد و فهم نهایی از تربیت دینی بستگی قابل توجهی بر فهم دین مورد نظر و چارچوبها و اصول آن دارد؛ و با سبقت خوردن تربیت در این اصول و چارچوبهای دین است که تربیت دینی معنا می یابد. لذا در ترکیب تربیت دینی، می توان از دین بعنوان زیر بنا (Base) و از تربیت بعنوان روبنا (Superstructure) تعبیر کرد. که هر دو در تأثیر و تأثر با یکدیگر تربیت دینی را معنا خواهند کرد.

**کلید واژه ها:** تربیت، دین، تربیت دینی، تحلیل مفهومی، تحلیل زبانی

#### مقدمه:

در بکارگیری و بهره مندی از تربیت دینی، خواه به عنوان متخصص و خواه به عنوان فردی عادی، قبل از بازی کردن، ناگزیر باید زمین بازی را به طور دقیق شناخت و با قواعد آن آشنا شد. مقصود از زمین، قواعد بازی و بازی کردن، به ترتیب برابر با، تربیت، دین و تربیت دینی است. استعاره به کار رفته در اینجا حاکی از آن دارد که شناخت ناقص مفهوم تربیت و دین به شناخت ناقص تری از تربیت دینی منجر می شود. به عبارت دیگر شناخت ناقص زمین و قواعد بازی، موجب خواهد شد، آنچه را که می پنداریم تلاشی در جهت موفقیت در بازی است، چه بسا موجبات عدم موفقیت را فراهم نماید.

ویتگنشتاین<sup>۲</sup> که از بزرگترین و مهم ترین فیلسوفان اتریشی قرن بیستم است در نظریه ی بازی های زبانی<sup>۳</sup> که تقابلی در برابر نظریه ی تصویری زبان<sup>۴</sup> بود؛ مطرح می کند که زبان پدیده ای بسیار پیچیده و چند بعدی است و نمی توان آن را ساده انگاشت و کارکردی صرفاً یک بعدی برای آن در نظر گرفت. براساس این نظریه، زبان پیکره ای از بازی های مختلف است. به بیان دیگر، زبان

s.maziar.mousavi@ut.ac.ir<sup>۱</sup>

. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

<sup>۲</sup> .L.J.J.Wittgenstein

<sup>۳</sup> . The Theory of Language Games

<sup>۴</sup> . "Picture Theory of Language" ویتگنشتاین اول در نظریه تصویری زبان خود، معتقد بود که زبان، صرفاً تصویرگری واقعیت را بر عهده دارد و آدمی با شناخت حقیقت زبان پی به حقیقت جهان می برد. اما بعدها ویتگنشتاین دوم در تقابل با نظریه تصویری زبان خود، نظریه بازی های زبانی را مطرح می کند.



کارکردهای متفاوتی دارد، تصویرگری واقعیت صرفاً یکی از بی شمار کارکردهای مختلف زبان محسوب می شود، هریک از این بازی های زبانی با یک شکل زندگی (form of life) همراه است. بنابراین، فهم یک بازی زبانی مستلزم فهم یا شرکت در شکلی خاص از زندگی است که بازی زبانی مورد نظر در بافت آن واقع می شود. (ندرلو، ۱۳۹۰) در واقع کلمات و واژه ها نقشی از پیش تعیین شده ندارند و معنی و مفهوم هر واژه بسته به موقعیتی است که در آن بکار گرفته می شود.

لذا در طول تاریخ دلیل پیچیدگی و گستردگی مفاهیم "تربیت" و "دین"، تعبیرات مختلف و بعضاً متضادی از این مفاهیم شده است بنابراین تحلیل و بررسی این مفاهیم، بدون در نظر گرفتن بستر و موقعیتی که این مفاهیم ارائه می شوند، نمی توان به نگاه جامعی از تربیت و دین دست یافت. لذا مقاله حاضر تلاشی ست در جهت تحلیل و بررسی مستقل هر یک از این مفاهیم با توجه به بستر و موقعیت استعمال هریک، برای دستیابی به دید و فهمی جامع از تربیت، دین و ترکیب این دو.<sup>۱</sup>

الف) تربیت:

### ۱. تاریخچه پیدایش مفهوم تربیت:

برای فهم دقیق معنای تربیت توجه به واقعیتی که در طول تاریخ بر این مفهوم گذشته است، لازم و ضروری می باشد. پیشینه و شواهد تاریخی تربیت نشان می دهد که با صرف نظر از اموری که بشر مستقلاً از معلم طبیعت آموخته است؛ می توان اذعان داشت که اولین نموده های تربیت به حضرت آدم بر می گردد. در واقع «حضرت آدم، اولین معلم است و خود شاید اولین معلم از نوع بشر باشد که فرزندانش را تعلیم می دهد.» (اجاق و واعظ شهرستانی، ۱۳۹۲ به نقل از الماسی، ۱۳۷۴، ص ۱۱). اما تربیت متأثر از طبیعت مشخصاً به طور غریزی و طبیعی بوده است. ولی در رابطه با تربیت از منظر حضرت آدم با وجود اینکه شواهدی قطعی در این باره وجود ندارد اما می توان به طور قطع اذعان داشت که تربیت در اینجا، تربیت به معنای غیررسمی مطرح می باشد و تا قرون بعدی هم به همین منوال یعنی در خانواده و از طرف والدین بصورت غریزی ادامه داشته است.

اما تربیت رسمی و به طور کلی آموزش و پرورش در تاریخ قدمتی سه و چهار هزار ساله دارد. در غرب، تربیت و آموزش و پرورش کنونی را می توان منظومه ای از آراء و افکاری دانست که به تدریج طی این تاریخ عظیم، نزدیک به سه هزار سال بدست آمده است. (کاردان، ۱۳۹۷). می توان گفت که محل نشو و نما این افکار در غرب و در وهله ی اول با «تمدن یا فرهنگ یونان باستان و پس از آن فرهنگ و تمدن روم باستان و نیز فرهنگ و تمدن عبرانی (یهودی) و مسیحی بوده است.» (کاردان، ۱۳۹۷، ص ۷). اما در شکل گیری این آراء و افکار نمی توان از تاثیرپذیری ها و هم افزایی هایی که بین تمدن و فرهنگ غرب با تمدن و فرهنگ شرق خصوصاً ایران باستان و تمدن اسلام، چشم پوشی کرد. اما پیشینه تربیت در شرق را باید در ایران باستان جستجو کرد که این واژه در ایران قریب به چهار هزار سال سابقه دارد. (اجاق و واعظ شهرستانی، ۱۳۹۲) و قرن ها بعد با پیدایش آیین های مختلف از جمله میتراثیسم، زرتشت، بودا، مانوی، مزدک و بعدها با ورود دین

<sup>۱</sup> تحقیق حاضر پژوهشی کیفی است و در آن از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است؛ زیرا از طرفی در پی توصیف و شناخت شرایط موجود و از طرف دیگر در پی تحلیل مفاهیم و کشف عناصر در زمینه تربیت، دین و تربیت دینی است. در تحلیل از روش تحلیل زبانی و مفهومی استفاده شده است. که «تحلیل های زبانی در تعلیم و تربیت می تواند سه صورت داشته باشد: تحلیل مفاهیم تربیتی در زبان عادی، تحلیل مفاهیم در زبان متعارف. تعلیم و تربیت و تحلیل مفاهیم در زبان فنی و رسمی تعلیم و تربیت» (باقری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴)، که این پژوهش در قالب سوم یعنی تحلیل مفاهیم در زبان فنی و رسمی تعلیم و تربیت انجام می گیرد. شیوه جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و اسنادی است و جامع آماری آن نیز کتب و مقالات علمی ترویجی و علمی پژوهشی می باشد.



اسلام، سرآغاز دیگری برای تربیت در ایران محسوب می‌شود. در این قسمت از مقاله در ضمن در نظر گرفتن سیر تاریخی و تطور معنایی که در هر دوره برای تربیت رخ داده است به تحلیل این مفهوم می‌پردازیم.

## ۲. معنای لغوی تربیت:

این بخش به بررسی تعریف لغوی تربیت در سه زبان فارسی و عربی و انگلیسی اختصاص دارد:

### ۱-۲. در زبان فارسی:

فرهنگ فارسی عمید، تربیت را به دو معنا بکار برده است ۱. پروردن، پروراندن، پرورش دادن و ۲. ادب و اخلاق به کسی یاد دادن. دهخدا علاوه بر معنای قبل، پروراندن و آموختن را هم برای تربیت ذکر کرده. (اختری، ۱۳۹۷).  
واژه ترکیبی «تعلیم و تربیت» نیز به معنای «آموزش و پرورش» آمده است. (اعرافی و موسوی، ۱۳۹۱ به نقل از دهخدا، ۱۳۲۸، ص ۵۵۰).

### ۲-۲. در زبان عربی:

واژه تربیت در زبان عربی معادل با «التربیة» است. هر یک از لغت شناسان و اندیشمندان ریشه ای برای این واژه در نظر گرفته اند به طور کلی اکثر آنها ریشه این واژه را یا "ربو" یا "ربب" و یا "ربا" ذکر کرده اند لذا برخی که تربیت را به معنای زیادت و رشد بیان کرده اند، آن را از ریشه ربو می دانند و برخی دیگر آن را از ریشه ریب می دانند و لذا معنای تدریجی بودن را به تربیت نسبت می دهند و برخی هم آن را از ریشه ربا می دانند و معنای زیاده، نما و علو را می پذیرند.

و عده ای هم به مانند محمد شحات الخطیب در کتاب اصول التریبه اسلامی برای تربیت سه ریشه به این صورت ذکر می کند: ۱. ربا، ۲. ربو (=فعل مهموز) ۲. ربی، ۳. یربی (=فعل ناقص) ۳. رَبَّ، یرَّب (=فعل مضاعف) (شرفی، ۱۳۹۹ به نقل از الخطیب، ۱۳۷۴).

شرفی در ادامه تصریح می کند که تربیت اگر از ریشه ربا، ربو گرفته شود به معنای رشد کردن و برآمدن و قد کشیدن و بالیدن است. و اگر از ریشه ربی، یربی گرفته شود به معنای افزودن، پروراندن، برکشیدن، برآمدن است. و اگر از ریشه رَبَّ، یرَّب باشد به معنای پروراندن، سرپرستی و رهبری کردن، به تعالی و کمال رساندن است. (شرفی، ۱۳۹۹).

و در ادامه بیان می‌دارد که «از میان سه معنای پیش گفته بیشتر زبان شناسان، تربیت را با غایت به ریشه رَبَّ، یرَّب تعریف کرده اند.» (شرفی، ۱۳۹۹، ص ۲)

حاصل سخن آن است که آنچه در معنای این واژه به توان به عنوان معنای لغوی آن پذیرفت، علو و زیاد شدن و رشد است که تدریجی بودن آنها نیز باید لحاظ شود.

### ۳-۲. در زبان انگلیسی:

واژه تربیت در زبان انگلیسی معادل Education است. و در لغت نامه آکسفورد به معنای فرآیند آموزش، آموزش و یادگیری، به ویژه در مدارس یا دانشکده ها، برای بهبود دانش و رشد مهارت ها آمده است. ریشه ی لاتین این کلمه ducis و dux می دانند و به معنی رهبر و رئیس است و کلمات مرکب educere و educare به ترتیب به معنای «برکشیدن» (بیرون کشیدن یا به بیرون راندن) و پروردن (انسان یا حیوان) و به صورت بخشیدن و آموختن است.

<sup>1</sup>. Oxford Learner' Dictionaries



(میلازه، ۱۳۷۵، ص ۵ به نقل از اعرافی و موسوی، ۱۳۹۱). شکل ذیل اشاره به ریشه شناسی واژه Education دارد.<sup>۱</sup>

### تربیت در شبکه ی معنایی:

در شبکه معنایی «برخی از واژه ها به سبب معانی مرتبط و نزدیکی که با یکدیگر دارند، به صورت شبکه ای به هم پیوسته ظهور می کنند.» (ایزوتسو، ۱۳۷۸ به نقل از باقری ۱۳۹۹، ص ۱۷۹). که در ادامه دکتر باقری می افزاید که نوع ارتباط عناصر شبکه یا میدان معنایی می تواند به صورت های گوناگون باشد از جمله ارتباط اشراقی و ارتباط اندراجی. که ما در اینجا ارتباط از نوع اندراجی را دنبال خواهیم کرد.

در این نوع ارتباط، یک مفهوم، دارای ابعاد و یا جنبه های مختلفی است که هر یک از آنها توسط یک مفهوم خاص بیان می شود. به بیان دقیق تر در این نوع ارتباط که به نوعی رابطه سلسله مراتبی در آن حاکم است «برخی مفاهیم در ذیل مفهومی دیگر قرار می گیرند و بُعد و ابعادی از آن را تشکیل می دهند» (باقری، ۱۳۹۹، ص ۱۸۱). کاربرد این روش زمانی است که یک واژه دارای ابعاد و پیچیدگی های زیادی باشد که هر یک از ابعاد آن را به توان به نحوی با یک مفهوم خاص تبیین کرد.

4

واژه تربیت از این دسته از مفاهیم است که بر خلاف ظاهر ساده ایی که دارد دارای پیچیدگی ها خاص و ابعاد گسترده ای است. و برای دستیابی به فهم دقیق تری از آن، این واژه را در ارتباط معنایی با واژه‌ها نزدیک به آن در نظر گرفت. به طور کلی در زبان های مختلف، تربیت را می توان در ارتباط اندراجی با مفاهیمی چون رب، ادب، تزکیه، انشاء و صنع، Learning, Instruction, Teaching, Training قرار داد. که معانی مرتبط با برخی از آنها به صورت اختصار در جدول شماره ۱ ارائه می گردد.<sup>۲</sup>

ردیف	زبان	نام واژه	ریشه	معنای لغوی	معنای اصطلاحی	تولد	جایگاه دستوری
۱		تربیت	"ربو" یا "ربب" و یا "ربا"		پروردن، پروراندن رشد و بالندگی و زیادت و علو به صورت تدریجی	از آغاز خلقت حضرت آدم	مصدر
۲	عربی	ادب	ادب		خوی خوش، دانش، فرهنگ، روش پسندیده ظرافت عمل	-	اسم
۳		تزکیه	زکو		نمو و افزایش توام با برکت، پاکیزه گردانیدن رشد دادن، ارتقاء نفس	-	مصدر متعدی

<sup>۱</sup> Educate. (n.d.). In Online Etymology Dictionary-webster

<sup>۲</sup> برای اطلاعات بیشتر در مورد واژگان رب، ادب، تزکیه، انشاء و صنع رجوع شود به فصل اول از جزوه تعلیم تربیت اسلامی پیشرفته نوشته ی شرفی (۱۳۹۹).

# 12<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

14 September 2022 - University of Tehran

## دوازدهمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران

محل برگزاری: دانشگاه تهران

۲۳ شهریور - ۱۴۰۱



۴	انشاء	نشاء	احداث و ایجاد چیزی [بدون سابقه] تربیت شدن، تربیت کردن	-	مصدر متعدی
۵	صنع	صنع	عمل، کردار نیکو پرورش دادن	-	مصدر
۶	Education	Educere یا Educere	روند آموزش و یادگیری، معمولاً در مدرسه، دانشکده یا دانشگاه یک فرایند آموزش، آموزش و یادگیری، به ویژه در مدارس، دانشکده ها یا دانشگاه ها، برای بهبود دانش و توسعه مهارت ها <sup>۱</sup>	از دهه ۱۵۸۰ میلادی	اسم، مفرد، غیرقابل شمارش
۷	Training	tragere	روند آموزش یا آموزش مهارت های یک شغل یا فعالیت خاص ... <sup>۲</sup> فرایند یادگیری مهارت هایی که برای انجام یک کار نیاز دارید. <sup>۳</sup> عبارت است از رشد ذهن یا شخصیت یا هر دو یا برخی از قوه ها، در حدی طولانی، تمرین، همان طور که یک سرباز آموزش می بیند یا تمرین می کند. نظم و انضباط اساساً همان آموزش است، اما شدیدتر است. <sup>۴</sup>	از اواسط قرن ۱۵ میلادی <sup>۵</sup>	اسم، مفرد، غیرقابل شمارش
۸	Teaching	deik	کار یک معلم <sup>۶</sup> کار یا حرفه معلمی <sup>۷</sup>	از ۱۳۰۰ میلادی	اسم، غیرقابل شمارش
۹	Instruction	Streu, stere	آموزش واژه کلی برای انتقال دانش است. ... آموزش برای دانش خود هدف دانش است، اما بیش از آموزش، به کارگیری نظم منظم در موارد آموزش داده شده تأکید دارد. <sup>۸</sup>	از قرن ۱۴ میلادی	اسم، قابل شمارش معمولاً جمع

5

<sup>1</sup>. Education. (n.d.). In Longman-webster.

<sup>2</sup>. Training. (n.d.). In Longman-webster.

<sup>3</sup>. Training. (n.d.). In Online Etymology Dictionary-webster.

<sup>4</sup>. Training. (n.d.). In Online Etymology Dictionary-webster.

<sup>۵</sup>. در ۱۵۴۰ به عنوان نظم و دستورالعمل برای توسعه قدرت یا مهارت ها. در ۱۷۸۶ به عنوان تمرین برای بهبود قدرت بدنی. چرخ های آموزش به عنوان یک پیوست به یک دوچرخه از سال ۱۹۵۳ است.

<sup>6</sup>. Teaching. (n.d.). In Oxford Learner' Dictionaries-webster.

<sup>7</sup>. Teaching. (n.d.). In Longman-webster.

<sup>8</sup>. Instruction. (n.d.). In Oxford Learner' Dictionaries-webster.



		آموزش رسمی که در یک مهارت یا موضوع خاص به شما داده می شود <sup>۱</sup>					
اسم، غیرقابل شمارش	اواسط قرن ۱۴	دانش حاصل از خواندن و مطالعه <sup>۲</sup> به معنای دانش حاصل از مطالعه سیستماتیک، فرهنگ گسترده علمی و ادبی <sup>۴</sup> روند یادگیری چیزی، یادگیری مادام العمر / بزرگسالان <sup>۵</sup>		lois	Learning <sup>۳</sup>		۱۰

«جدول شماره ۱»

### ۳. تعاریف تربیت:

در طول تاریخ و در بین اندیشمندان تربیتی و فلاسفه تعاریف متعددی از تربیت ارائه شده است و رسیدن به یک تعریف واحد علی الظاهر امکان پذیر نمی نماید. اما نکته ای باید بدان توجه داشت این است که برای تربیت در طول تاریخ سه نقطه عطف می توان در نظر گرفت؛ نقطه عطف اول مربوط به ظهور آراء و اندیشه های سقراط<sup>۶</sup> و شاگردانش یعنی افلاطون<sup>۷</sup> و ارسطو<sup>۸</sup> است که به تربیت در بستر توجه به انسان، برای تحقق جامعه آرمانی نگرستانند؛ نقطه عطف دوم مربوط به ظهور مسیحیت است که با میلاد مسیح (ع) کلید می خورد و با ورود دین، تربیت وارد مرحله جدیدی از حیات خود می شود. و نقطه عطف سوم که معروف به انقلاب کپرنیکی<sup>۹</sup> در تربیت است، آثار و نظرات ژان ژاک روسو<sup>۱۰</sup> است که توجه تربیت را معطوف به کودک و اقتضائات سنی او می کند و دریچه ای نو به روی جهانیان در عرصه تربیت می گشاید. در چنین سیری و تطوری که برای معنا و مفهوم تربیت رخ داده است، ناگزیر در بررسی های تعاریف تربیت، تقسیم بندی می بایست صورت پذیرد. لذا در این بخش تعاریف تربیت را به دو دسته کلی تقسیم بندی شده است دسته اول اندیشمندانی که منسوب به یک مکتب خاص هستند و تعریفی عام از تربیت ارائه داده اند. و دسته دوم اندیشمندانی که تعاریفی براساس دین ارائه داده اند. در خلال تعاریف، به زمینه ها و بسترهای تاریخی هر تعریف اشاره ای گذرا می شود؛ و در پایان، تحلیل کلی از تعاریف نموده و یک تعریف جامع از تربیت پیشنهاد می گردد.

۱-۴. تعاریف تربیت متأثر از مکاتب:

۱-۴-۱. ایده آلیسم:

<sup>1</sup> .Instruction. (n.d.). In Longman-webster.

<sup>۲</sup> .در انگلیسی قدیم به صورت Leornung.

<sup>3</sup> .Learning. (n.d.). In Longman-webster.

<sup>4</sup> .Learning. (n.d.). In Online Etymology Dictionary-webster.

<sup>5</sup> .Learning. (n.d.). In Oxford Learner' Dictionaries-webster.

<sup>6</sup> .Socrates

<sup>7</sup> .Plato

<sup>8</sup> .Aristotle

<sup>9</sup> .The Copernican Revolution(Copernican heliocentrism)

<sup>10</sup> . Jean-Jacques Rousseau



-افلاطون (۳۴۸-۴۲۷ ق.م):

تربیت فضیلتی است که در آغاز، کودک کسب می کند و آن عبارت است از تشکیل عادات نیک و ابتدایی ترین احساسات، یعنی لذت، الم، و کینه به صورتی که خود به خود با عقل که بعد از آن پدید می آید هماهنگ گردد. (کاردان، ۱۳۹۷)

زمینه و ارزیابی:

شاگرد خلف سقراط یعنی افلاطون از بزرگترین اندیشمندان تاریخ یونان و جهان محسوب می شود که در دوره ۴۲۷-۳۴۸ ق.م زیست می کرد. وی معتقد بود آدمی دارای دو وجود است وجودی جسمانی و وجودی روحانی. اما، به نظر او آنچه آدمی را از جانداران دیگر متمایز می سازد، روح اوست. در دوره ای که افلاطون می زیست نگاه فلاسفه از ماده مواد به بررسی خود انسان تغییر یافت و از این جهت افلاطون در صدد ارائه ی جامعه آرمانی بود. این اعتقاد و ترسیم عالم مُثُل وی تعیین کننده دیدگاه تربیتی او می باشد. از این رو هدفی که افلاطون برای تربیت در نظر می گیرد، عبارت است از کشف و آماده سازی استعدادهای برجسته برای زمامداری در جامعه آرمانی یعنی جامعه مبتنی بر عدالت و حکمت (کاردان، ۱۳۹۷) لذا این آرمان و هدف، تعریف وی از تربیت را این چنین حاصل نمود.

اما با نگاه دقیق تر به آراء تربیتی وی همخوانی چندانی بین سه گانه هدف، محتوا و روش افلاطون وجود ندارد چراکه، باتوجه به اینکه افلاطون بحث از عالم مثل می کند متناظر با عالم معقولات هدفی را تعیین نمی کند. بنابراین چون وی عالم معقولات را برتر از عالم محسوسات می داند می توان به افلاطون خورده ایی گرفت.

۴-۱-۲. رئالیسم:

-ارسطو (۳۸۵-۳۲۲ ق.م):

«تعلیم و تربیت فنی است که باید فضیلت مدنی را به کودک القا کند و او را برای اتصاف به فضیلت آماده سازد.» (بریه، ۱۳۵۲، ص ۳۰۵ به نقل از کاردان ۱۳۹۷، ص ۳۱).<sup>۲</sup>

زمینه و ارزیابی:

ارسطو یکی دیگر از برجسته ترین اندیشمندان یونانی که با واسطه افلاطون شاگرد سقراط محسوب می شود در دوره ی ۳۸۵-۳۲۲ ق.م می زیست. وی نفس را جزیی از کارکردها یا وظایف اعضای بدن می داند. به این معنی که نفس را صورت بدن و علت و اصل آن بر می شمارد. از طرفی ارسطو به سرنوشت لاهوتی اعتقاد ندارد و منظور او از سعادت فردی، سعادت در این جهان است. و فضایل اخلاقی را از زندگانی اجتماعی

<sup>۱</sup> . محتوا تربیتی افلاطون شامل دانش مقدماتی (شامل ورزش و آموزش نظامی، ادبیات، حساب و ریاضیات، هندسه، دانش حرکت اجسام و ستاره شناسی، موسیقی) و روش او به مانند سقراط روش گفتگو بود ولی با این تفاوت که انتهای گفتگوی سقراط باز (Open) بود ولی افلاطون در انتهای گفتگو، از بحث نتیجه گیری می کرد از این رو روش گفتگوی افلاطون را دیالکتیک می گویند همچنین افلاطون از روش تذکار هم استفاده می کرد. (کاردان، ۱۳۹۷).

<sup>۲</sup> . محتوایی که ارسطو برای تربیت در نظر می گیرد شامل خواندن و نوشتن، آموزش و پرورش جسمانی، موسیقی، نقاشی و ترسیم و همه ی اینها در جهت پرورش روح و روان. و روشی که اتخاذ می کند روش تجربی، عادت در منش، پرورش خرد که مستلزم پرورش امیال و پرورش امیال مستلزم پرورش تن است. (کاردان، ۱۳۹۷).



جدا نمی‌داند. لذا ارسطو هدف از تربیت را پرورش خرد و هوش را غایت رشد طبیعی آدمی می‌داند. و بیان می‌کند که رسیدن به حقیقت با پرورش خرد و هوش میسر است (کاردان، ۱۳۹۷) با توجه به دیدگاه ارسطو و جهان بینی وی، هدف غایی انتخاب شده از نظر وی را می‌توان درست در نظر گرفت و محتوا و روشی که برای رسیدن به آن در نظر می‌گیرد در حقیقت می‌توان منطبق و متناسب با آنچه که می‌خواهد دانست. ضمن اینکه به صورت مستتر می‌توان فهمید یکی از اهداف تربیت ارسطو، تربیت برای زمامداری است.

۳-۱-۴. پراگماتیسم:

-جان دیویی<sup>۱</sup> (۱۹۵۲-۱۸۵۹):

«تعلیم و تربیت عبارت است از بازسازی و سازماندهی تجربه که بر معنی دار شدن و عمق آن می‌افزاید و توانایی هدایت جریان تجربه را توسعه می‌بخشد.» (شکوهی، ۱۳۹۹، ص ۲۷).<sup>۲</sup>

زمینه و ارزیابی:

جان دیویی امریکایی از مؤسسين اصلی مکتب پراگماتیسم یا عملگرا در طی سالهای ۱۸۵۹-۱۹۵۲ می‌زیست. در قرن بیستم با ظهور و گسترش فلسفه تحلیلی جدید و نظریه انتقادی یا مکتب فرانکفورت و مهم‌تر از همه وقوع دو جنگ جهانی در این برهه آموزش و پرورش در غرب را تحت الشعاع قرار داده است. دیویی در دوره‌ای زندگی کرده است که علم مرزهای گوناگونی را جابجا کرده و وی هر سه نقطه عطف در تربیت را پشت سر گذاشته است و میراث‌دار سرمایه‌های بجا مانده از اندیشمندان گذشته است. دیویی در چنین شرایطی تربیت را عین زندگی می‌دانست نه آماده شدن برای زندگی؛ از طرفی وی معتقد بود آموزش و پرورش کارکردی اجتماعی دارد و در اجتماع و برای اجتماع صورت می‌گیرد. از سویی جان دیویی «هدف تعلیم و تربیت را جامعه دموکراتیک می‌دانست و در تعریف آن بیان می‌کند که جامعه دموکراتیک جامعه‌ای است که از پیدایش اختلافات و تبعیضات طبقاتی قومی و نژادی جلوگیری می‌کند» (سلیمی و طاهرقلی، ۱۳۹۷). بنابراین تعریف دیویی از تربیت مبتنی بر این عوامل و در جهت مرتفع نمودن این اهداف ارائه می‌شود. تعریف تربیت وی از جهتی تعریف بسیار دقیقی محسوب می‌شود.

مفاهیم بازسازی تجربه و سازمان دهی تجربه و هدایت جریان تجربه، در واقع تاکید دیویی به عاملیت و نقش اول بودن متربی را می‌رساند اما آیا "صرف تجربه را می‌توان تربیت نامید؟" آیا عمر محدود آدمی می‌تواند همه چیز را تجربه نماید؟ و یا هر چیزی را می‌توان تجربه نمود؟ سوالاتی است که می‌توان به دیدگاه دیویی وارد ساخت.

۴-۱-۴. رویکرد انتقادی:

-هنری ژولی<sup>۳</sup> (۱۹۴۳-تا کنون):

<sup>1</sup> . John Dewey

<sup>۲</sup> . روش پیشنهادی دیویی حل مسأله است. و «تفکر محور آموزش و پرورش» است و معتقد است روشی ارزشمند تر است که کودک را به تفکر وادارد. (کاردان، ۱۳۹۷) دیویی تاکید می‌کند که روش آموزشی باید با محتوا هماهنگ باشد تا بتواند یادگیری را ایجاد نماید روش‌های فعال در تعلیم و تربیت را مدنظر قرار می‌دهد و بر روش کار گروهی و همکاری معلم و شاگردان با هم و یا شاگردان با یکدیگر تاکید می‌کند. (سلیمی و طاهرقلی،

<sup>3</sup> . Henry Joly





«تربیت مجموعه تلاش‌هایی است که هدف آنها برخوردار ساختن فرد از همه قوایش و آماده کردن او برای استفاده صحیح از آنها.» (شکوهی، ۱۳۹۹، صص ۲۶ و ۲۷)

زمینه و ارزیابی:

هنری ژولی متولد یافته ۱۹۴۳ و یکی از اندیشمندان برزیلی معاصر است که از آن دسته از اندیشمندانی است که تعلق به رویکرد معروف انتقادی دارد. وی متأثر از مکتبی که بدان تعلق دارد معتقد است آموزش و پرورش برای رفع و بازتولید نابرابری‌های اجتماعی صرفاً وظیفه انتقال دانش را بر عهده ندارد و قائل به تفکر نقاد است و تعلیم و تربیت مرزی<sup>۱</sup> را پیشنهاد می‌دهد. اما هنری ژولی در تعریف تربیت با بکار بردن شناسه فعل‌های «برخوردار ساختن، آماده کردن» سهم عاملیت متربی را تا حدود زیادی نادیده گرفته است. و علاوه بر آن خود برخوردار ساختن نمی‌تواند تربیت باشد چراکه محروم ساختن متربی از پاسخ‌ها، محرک‌ها، امکانات آماده ایست تا به واسطه ی آن، آنچه را که می‌خواهد با دست خویش و با کوشش سازنده بجوید.

۴-۲. تعریف تربیت متأثر از ادیان:

۴-۲-۱. اسلام<sup>۲</sup>:

تشیع:

-علامه محمدحسین طباطبایی (۱۹۸۱-۱۹۰۳): «اسلام، اساس تربیت خود را بر مبنای دعوت به سوی حق (خدای تعالی) استوار نموده و نتیجه آن عبودیت محض است.» (شرفی، ۱۳۹۹، ص ۱۰)

زمینه و ارزیابی:

علامه طباطبایی اندیشمند ایرانی، با جهان بینی توحیدی خود تعریف خود را از تربیت، ارائه نموده است. هر چند ایشان تعریف عام و کلی تری از تربیت نیز ارائه نموده اند اما این تعریف از منظر تربیت اسلامی بیان گشته است. اما با نگاه دقیق تر به این تعریف، می‌توان دریافت که تعریف مذکور را نمی‌توان یک تعریف جامع از تربیت دانست چراکه بیشتر دربردارنده هدف تربیت و روش تربیتی است.

-علی صفائی حائری (۱۹۹۹-۱۹۵۱):

«تربیت آن راه و آن نظامی است که از بشر، انسان می‌سازد، انسانی که بار امانت را می‌تواند به دوش گیرد.» (صفائی حائری، ۱۳۸۵، ص ۳۵)

زمینه و ارزیابی:

صفائی حائری یکی دیگر از اندیشمندان اسلامی در این تعریف مفاهیم کلیدی بشر و انسان و بارامانت را به دنبال دارد که منظور از هریک به‌طور خلاصه به این صورت است:

ایشان بین بشر، آدم و انسان تفاوت فاحشی قائل است.

<sup>۱</sup>. Cross-border education

<sup>۲</sup>. که اندیشمندان منتخب در اینجا همگی از اندیشمندان معاصر یا قرن اخیر هستند که دارای میراث گرانقدر اندیشمندان و آراء تربیتی آنها هستند و هر سه نقطه عطف در تربیت را از نظر گذرانده اند.



بشر را نازل ترین مرتبه در نظر می گیرند که موجودی از موجودات عالم که صرفاً اجتماعی و با اصطلاح حیوانی ناطق است ولی انتخاب کننده و خلاق نمی باشد. (صفائی حائری، ۱۳۸۵)

و در تعریف فوق، صفائی حائری آدم را کسی میدانند که «بر تمام استعدادهایش حکومت و رهبری دارد و به آنها جهت می دهد» (صفائی حائری، ۱۳۸۵، ص ۳۵)

و بالاترین مرتبه را به انسان می دهد و می آورد:

«مرادم از انسان موجودی است که از سطح غریزه ها بالا آمده در حد وظیفه و انتخاب زندگی می کند» (صفائی حائری، ۱۳۸۵، ص ۳۵)

منظور ایشان از بار امانت را می توان اشاره به آیه «انا عرضنا الامانة علی السموات و الارض و الجبال فابین ان یحملنها و اشفقن منها و حملها الانسان انه کان ظلوما جهولا» (احزاب: ۷۲) در نظر گرفت که متضمن به ثمر نشستن تربیت در انسان (به معنایی که ذکر آن آمد) است همان امانتی که حتی آسمانها و زمین و کوه ها قادر به حمل آن و در واقع از عهده بیرون آمدن آن نبودند.

-مصطفی دلشاد تهرانی (۱۹۵۵-تاکنون):

تربیت، عبارت است از «رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آنکه استعدادهای انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود.» (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۸، به نقل از شاهرخی و همکاران ۱۳۹۰)

زمینه و ارزیابی:

دلشاد تهرانی یکی دیگر از اندیشمندان ایرانی معاصر تعریفی که ارائه نموده است به نظر می توان آن را در زمره تعاریف تربیت اسلامی در نظر گرفت. لکن این تعریف دارای مشکلات عدیده ای است: اولاً رفع موانع؛ زیرا خود ایجاد موانع، بعضاً می تواند موجبات رشد فرد را فراهم نماید و مترقی با دست و پنجه کردن با موانع باعث تقویت خود شود.

دوما کمال مطلق؛ رسیدن به کمال مطلق در این تعریف بعنوان غایت تربیت در نظر گرفته شده است در حالیکه کمال مطلق دو مشکل در پی دارد نخست، رسیدن به کمال مطلق غیرممکن است و دوم، اگر با تسامح کمال مطلق را بالاترین مرتبه کمال ممکن در نظر بگیریم باز دارای مشکل است زیرا رسیدن به کمال به این معنا باز نمی تواند غایت تربیت در نظر گرفت چراکه که رسیدن به کمال تازه پله نخست محسوب می شود بعنوان مثال بازیکن فوتبالی بعنوان نمونه کریستین رونالدو<sup>۱</sup> با انجام تمرینات گسترده و تحمل سختی ها و فشارهای زیاد تمرینات اختصاصی خود به مرتبه از کمال خود در سرعت، در پرش، در قدرت شوت، در ضربه سر و... می رسد حال اگر وی در مسابقه، این توانایی هایی به کمال رسانده ی خویش می تواند به کار گیرد و گل بزند و یا باعث برد و قهرمانی تیم خود شود. اما همین فرد اگر این توانایی های به کمال رسانده ی خود را به بکار نگیرد گل نمی زند و به قهرمانی های فردی و تیمی نمی رسد. لذا صرفاً رسیدن به کمال نمی تواند معیار و غایت تلقی شود.

-خسرو باقری نوعپرست (۱۹۵۷-تاکنون):

<sup>1</sup> . Cristiano Ronaldo



«شناخت خدا به عنوان رب یگانه ی انسان و جهان، برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر است» (باقری، ۱۳۹۸، ص ۶۱).

زمینه و ارزیابی:

این تعریف از منظر تربیت اسلامی بیان گشته است و حامل مفاهیم کلیدی در تربیت اسلامی است. ۱. شناخت ۲. برگزیدن یا انتخاب ۳. عمل. (باقری، ۱۳۹۰). اما در عین حال روح حاکم بر این تعریف کلمه ربوبیت است.

-در مورد مفهوم کلیدی اول؛ هر مکتب و تفکری اگر از شناخت عمیق و حقیقی حاصل نشود باطل، بی پایه و بی ریشه است و این مطلب در هر امر و عملی نیز صادق است بنابراین شناخت بکار رفته در تعریف عنصر اساسی و نقش اساسی در این تعریف ایفا می کند.

-مفهوم کلیدی دوم حامل ظرافت های بسیاری است که به نمونه هایی از آن اشاره می کنیم:

۱. برگزیدن؛ در این تعریف برگزیدن که خود حاصل شده از پروسه و فرآیندی است که در واقع ابتدا از شناختها شروع گشته و سپس این شناخت ها مورد سنجش و ارزیابی (به وسیله عقل) قرار می گیرد و در نهایت انتخاب (که به وسیله اراده و اختیار) انجام می شود.

۲. تن دادن و تن زدن؛ تا تن زدن از غیر نباشد تن دادن به خدا امکان پذیر نیست و ترتبی که در این آمده است بسیار مهم و دقیق است که اشاره به دژ مستحکم اسلام دارد و آن، کلمه لا اله الا الله است که در واقع به این مفهوم است تا ذهن و دل انسان از رب های دیگر تزکیه نیابد نمی توان به خداوند رسید همان گونه که در زیارت عاشورا ابتدا لعن به یزد می آید و پس از پاکسازی سلام بر امام حسین (علیه السلام) می دهیم. ۳. مفهوم کلیدی سوم عمل است. ایمان بدون عمل، یا عالم بدون عمل، یا زنبور بی عسل همان است که شناخت بی عمل. لذا عاملیت و تلاش و کوشش، نقشی اساسی در تربیت ایفا می کند.

ربوبیت؛ خود کلمه ربوبیت در اینجا نشان دهنده ی این است که تربیت در تعلیم و تربیت اسلامی معنای محدودتری از ربوبیت دارد و تربیت، جلوه هایی از ربوبیت است زیرا در مکتب اسلام رب و مربی حقیقی خداوند است و در آیات مختلفی از قرآن کریم مانند «الحمد لله رب العالمین» (حمد: ۱) و «قل اعوذ برب الناس» (ناس: ۱) و ... اشاره به این مهم دارد. لذا می بینیم این تعریف، تعریفی بسیار دقیقی در چارچوب مکتب اسلامی است. تسنن:

-باقر شریف القرشی (۲۰۱۲-۱۹۲۵):

«تربیت به معنای خاص، کوشش هایی است که بزرگان اجتماع در جهت بارور کردن و رشد دادن اندیشه و تهذیب اخلاق نسل آینده به کار می برند.» (شریف القرشی، ۱۳۶۲ به نقل از شرفی، ۱۳۹۹)

زمینه و ارزیابی:

۱. دکتر باقری تعریف عامی هم از تربیت دارند که مختص به مکتب اسلام نیست و به طور عام در هر مکتبی بکار برد و آن به این صورت است که «تربیت تحولی ست ناهمتر از در بستر تعاملی ناهمتر از»



این تعریف از منظر تربیت اسلامی بیان گشته است و مشکل این تعریف بارور "کردن" و رشد "دادن" است به‌طور مشابه سهم و عاملیت انسان و متربی را نادیده گرفته است. و نقص دیگر آن این است که تربیت را منحصرأ از سوی نسل بزرگسال می‌داند و این نگاه یک بعدی به تربیت را می‌رساند چراکه تربیت از همسالان و تربیت بوسیله خود را نادیده می‌گیرد.

-محمدنقیب العطاس (۱۹۳۱- تاکنون):

«آوردن چیزی به حالت کمال به‌صورت تدریجی» (العطاس، ۱۳۷۲، به نقل از شرفی، ۱۳۹۹، ص ۱۰)  
زمینه و ارزیابی:

این تعریف از منظر تربیت اسلامی بیان گشته است اما مشکل این تعریف آوردن است و نه آمدن! زیرا سهم و عاملیت انسان یا متربی را نادیده گرفته است و مشکل دیگر آن درنظر گرفتن کمال بعنوان غایت که مشکل آن با ذکر مثالی به‌طور مفصل در نقد تعریف آقای دلشاد تهرانی به آن اشاره شد.

۴-۲-۲. مسحیت:

-آکویناس (۱۲۷۴-۱۲۲۷):

هنر آراستن بشر به کمال ترین فضیلت و شهروند خوب بودن. (حسینی، ۱۳۹۹).  
زمینه و ارزیابی:

از جمله ی "هنر آراستن بشر" می‌توان به‌طور مستتر دریافت که تربیت توسط کسانی دیگری صورت می‌پذیرد و همان سهم و عاملیت متربی به گونه ای نادیده گرفته شده است که نمی‌توان از آن اغماض کرد. و مشکل دیگر این تعریف در نارسایی و ابهام تعریف تربیت است زیرا کمالترین فضیلت در اینجا گنگ است و مستعد و دستخوش تحریف شدن است.

\*مارتین لوتر (۱۵۴۶-۱۴۸۳):<sup>۲</sup> تربیت تحول همه انسان هاست و هدف غایی همه انسانها این است که با ارتباط به پروردگار به سعادت نائل آیند. (حسینی، ۱۳۹۹)

زمینه و ارزیابی:

مشکل این تعریف بکار بردن واژه "همه" که ابهام‌زا است و بجای مبادرت به تعریف تربیت به بیان هدف و غایت تربیت پرداخته است. و از این تعریف ناظر بر تربیت اجتماعی است و تربیت فردی در آن به‌طور مشخص مطرح نگردیده است. اما نکته مثبت این تعریف را می‌توان تحول دانست.

۴-۲-۳. یهود:

\*دورکیم (۱۹۱۷-۱۸۵۸):<sup>۳</sup>

1. Tommaso d'Aquino

2. Martin Luther

3. David Émile Durkheim



«تربیت را عملی می‌داند که نسل بزرگسال و نسلی که هنوز برای زندگی در جمع رسیده و پخته نیست اعمال می‌کند و هدف آن فعال ساختن و توسعه حالات جسمی فکری و مغزی او به گونه‌ای است که مطلوب جامعه سیاسی در تمامیت آن و نیز مطلوب محیط خاصی که فرد به آن تعلق دارد می‌باشد.»<sup>۱</sup> (شکوهی، ۱۳۹۹)

زمینه و ارزیابی:

دورکیم با نگاه اجتماعی خود به تربیت، تعریفی که ارائه داده است مشکل و نقصی اساسی دارد و آن هم این است که تربیت را سهم بزرگسال می‌داند و نقش فعال و عاملیت مربی را نادیده گرفته است. و نقص دیگر آن به مانند تعریف القرشی تربیت را منحصرأ از سوی نسل بزرگسال می‌داند و این نگاه یک بعدی به تربیت را می‌رساند چراکه گفته شد تربیت از همسالان و تربیت بوسیله خود را نادیده می‌گیرد.

#### ۴. تحلیل کلی از تعاریف تربیت:

حال برآنیم تا با تحلیل عناصر اصلی در تعاریف فوق، به یک تعریف جامع درباره تربیت دست پیدا کنیم.

##### ۱-۵. عناصر اصلی تعاریف:

از عناصر اصلی موجود در تعاریف ارائه شده از تربیت می‌توان به "فضیلت، فن، هنر، تجربه(اعم از بازسازی و سازماندهی آن)، مجموعه ای از اقدامات و تلاش‌ها، دعوت، نظام، تعامل، تحول و تغییر، در جهت رسیدن به یک مطلوب" اشاره کرد.

##### ۲-۵. وجه غالب تعاریف:

با نگاه دقیق به تعاریف، می‌توان وجه غالب آنها را در چند دسته قرار داد. برخی از تعاریف فرآیندنگر هستند و برخی از آنها غایت‌نگر هستند و برخی دیگر از تعاریف محتوانگر هستند و پاره را نیز می‌توان تلفیقی از آنها در نظر گرفت. برای روشن شدن مطلب بعنوان نمونه می‌توان بیان داشت که گاه نقطه تمرکز تعاریف بر محتوای ارائه شده تکیه دارد و هدف غایی و خود فرآیند تربیت در پس زمینه آن قرار می‌گیرد. و گاه هدف غایی مرکز ثقل تعاریف است و مابقی در سایه آن مورد توجه هست. و...

##### ۳-۵. جمع بندی و ارائه تعریف از مفهوم تربیت:

حال با توجه به تحلیل تعاریف های فوق و دیگر تعاریفی که از تربیت شده است می‌توان با یک جمع بندی کلی همه آنها را در یک تعریف جامع به صورت ذیل بیان نمود:

تربیت عبارت است از "به مجموعه فعل و انفعالات متناسبی<sup>۲</sup> که مبتنی بر رشد فرد، و در جهت رشد او؛ که توسط خود او و افراد دیگر صورت می‌پذیرد."

چند مفهوم کلیدی در این تعریف نهفته است:

۱. واژه "انفعال"، اشاره به این نکته دارد که، همیشه یک فعل و اقدام به کاری صرفا تربیت نیست، در کنار آن گاهی انفعال هم می‌تواند تربیت محسوب شود و این خود تاکیدی است برای برخی افراد که در خلال تربیت اصرار دارند که حتما کاری را به انجام رسانند در حالیکه برخی از فعل‌ها نه تنها بارقه ای از مفهوم تربیت ندارند که خود معنای عکس تربیت می‌دهند.

<sup>۱</sup> هرچند به نظر می‌رسد این تعریف بر اساس نظریه جامعه شناسی دورکیم بیان شده است تا تربیت دین یهود؛ در هر صورت بدلیل اینکه دورکیم یک اندیشمند یهودی است تعریف او را در این بخش آورده ایم.

<sup>۲</sup> در تعریف فوق "فعل و انفعالات متناسب" اشاره به این مطلب دارد که انتخاب نوع فعل یا انفعال، فنی ست و انتخاب روش اقدام به آن هنر است و مجموع این دو، فضیلتی است که هر فردی در مقام مربی، دارای آن نمی‌باشد.



۲. جمله "مبتنی بر رشد"؛ گواه این است که بهترین تربیت اگر متناسب با رشد و اقتضای سن فرد نباشد سودی ندارد و مانند دانه‌هایی است که در فصل زمستان کاشته می‌شود؛ نه تنها انتظار محصول نیست بلکه از دادن سرمایه اولیه و محصول را هم در پی دارد.

۳. جمله "در جهت رشد"؛ گواه این حقیقت است که حتی به کمال رسیدن فرد نمی‌تواند بیانگر رسیدن به سرمنزل مقصود باشد مهم آن است که فرد در هر گام و در هر لحظه از دوره‌ی زندگی خود حرکت و رشد بیابد. و این مطلب قید شده در تعریف، تأکیدی است به این مهم که در هر لحظه از زندگی انسان گامی به سوی رشد رکود و انحطاط وجود دارد و تربیت برای آن است که رشد دهد و نه منحنی کند و نه حتی راکت بدارد زیرا خود راکت ماندن تلف کردن سرمایه هاست.

۴. "افراد دیگر"؛ در این تعریف، متضمن گستردگی مفهوم و بسترهای تربیت است که فرد از هر کسی و در هر چیزی و در هر جایی بدان می‌تواند نایل آید.

#### ب) دین:

واژه دین نیز به مانند واژه تربیت، آن دسته از مفاهیمی است که همواره میان اندیشمندان و فلاسفه اختلاف نظر بوده است. حتی برخی معتقدند که به دست آوردن یک تعریف مشترک درباره دین نه تنها مشکل، بلکه غیرممکن است. حتی برخی آن را قابل تعریف هم نمی‌دانند. هیوم در کتاب ادیان زنده جهان در این زمینه بیان می‌دارد که: «دین به اندازه‌ای ساده است که هر بچه عاقل و بالغ و یا آدم بزرگ می‌تواند یک تجربه دینی حقیقی داشته باشد و به اندازه‌ای جامع و پیچیده است که برای فهم کامل و بهره‌گیری تام از آن نیازمند تجزیه و تحلیل می‌باشد». (هیوم، ۱۳۸۷، ص ۲۱)

لذا با توجه به اینکه دین از پیچیدگی و گستردگی بالایی برخوردار است به‌طور طبیعی، نمی‌توان از یک بعد و یا منظر خاصی به تحقیق و بررسی آن پرداخت. بعنوان نمونه هیوم در کتاب ادیان زنده جهان ضمن تأکید روی این مطلب که «موضوع دین آن‌چنان وسیع است که نمی‌توان همه‌ی جوانب مختلف آن را در یک تحقیق خاص مطالعه کرد» (۱۳۸۷، ص ۲۷) می‌افزاید که نوع مواجهه با ادیان از جهات مختلفی قابل بررسی است. که هر دین پژوهی برای درک کامل دین، باید از تمامی رویکردهای پیشنهادی و رویکردهای محتمل دیگر بهره‌مند گردد. بدیهی است بررسی گسترده به این شکل از حوصله این مقاله خارج است ولیکن نویسنده سعی دارد با بررسی معنای لغوی و منشاء دین و تعاریف منتخبی از آن؛ به یک دید اجمالی درباره دین به خواننده ارائه دهد.

#### ۱. معنای لغوی:

این واژه در زبان فارسی، از زمان ایران باستان وجود داشته است و در لغت به معنای «حکم و قضا، رسم و عادت، شریعت و مذهب، همبستگی و غیر آن آمده است.» (پایگاه ویکی‌فقه، بی تا). و در زبان عربی نیز معانی مختلفی برای آن بیان شده است از جمله طاعت، انقیاد، جزاء، حساب، رسم و عادت. (اخلاقی، ۱۳۸۸) در زبان انگلیسی نیز دین معادل با کلمه Religion می‌باشد که به معنای دین، کیش، مذهب، آیین آمده است. البته برای واژه Religion دگرگونی‌های معنایی مختلفی رخ داده است که بعنوان نمونه چند مورد را ذکر می‌کنیم. Religion در حدود ۱۲۰۰ میلادی به معنای حالتی از یک زندگی مقید به

<sup>۱</sup> از جمله، برخورد تاریخی، نگرش روان‌شناختی، نظر فلسفی، دیدگاه اجتماعی، برخورد ادبی، برخورد زیبا شناسانه، برخورد اخلاقی، نگرش شخصی و مقایسه تطبیقی ادیان. (هیوم، ۱۳۸۷)



ندورات صومعه ای بود و همچنین به معنای عمل یا رفتاری که نشانگر اعتقاد به یک قدرت الهی باشد. در مذهب انگلیسی-فرانسوی در قرن ۱۱، به معنای تقوا، فداکاری، جامعه مذهبی، احترام به خدایان، تعهد اخلاقی، یک نوع عبادت و احترام به آنچه مقدس است بیان شده است. اما در تفسیر بسیاری از نویسندگان مدرن، آن را "ایجاد تعهد بر روی"، یا "پیوند بین انسانها و خدایان" ذکر کرده اند. و در لغتنامه لانگمن نیز به معنای اعتقاد به یک یا چند خدایی و همچنین آن را یک نظام ویژه ای از اعتقاد و همه آداب و وظایف در رابطه با آن را می گویند.

### ۲. منشاء دین:

بررسی منشا دین در اذهان اندیشمندان با توجه به دوره های مختلف سیرهای مختلفی را طی نموده است. «تا قبل از عصر جدید منشا دین، به عنوان پدیده ای آسمانی تلقی می شد. ولی در عصر جدید با رواج شکاکیت دینی؛ منشا دین بیشتر جنبه علمی پیدا کرد.»<sup>۴</sup> (شکوهی، ۱۳۸۵ به نقل از قائمی نیا ۱۳۷۹). در بین فلاسفه غرب اندیشمندان مختلفی درباره منشاء پیدایش دین بحث کرده اند و هر یک به نحوی آن را توضیح داده اند که در ادامه بخشی از مهم ترین نظرات را ذکر می کنیم. عده ای مانند راسل<sup>۵</sup> منشا دین را ترس بشر معرفی می کنند. در این زمینه راسل بیان می دارد که انسان به جای مقابله با عوامل نگرانی و اضطراب به اموری موهوم به عنوان تسکین دهنده نگرانی ها به نام دین و امور ماورائی روی آورد. (فولادی، ۱۳۸۹).

15 و عده ای مانند اگوست کنت<sup>۶</sup> منشا دین را جهل بشر می دانند. کنت دین را به عصر قبل از علم بشر اختصاص می دهد؛ و معتقد است با رشد عقلی بشر، دوره ای دین به پایان می رسد. (شکوهی، ۱۳۸۵).

عده ای هم مانند فویرباخ<sup>۷</sup> منشاء دین را سقوط اخلاقی می دانند؛ وی بیان می کند که اختراع دین ناشی از سقوط اخلاقی و انحطاط انسان و راهی برای نجات او است. (گرجیان و افشار پور، ۱۳۹۲)

و عده ای از جامعه شناسان مانند دورکیم و کارل مارکس<sup>۸</sup> اعتقاد دارند که دین حاصلی از عوامل اجتماعی است در این زمینه دورکیم توتم پرستی را منشا دین معرفی می کند. دورکیم با بیان اینکه توتم پرستی نمودی از پرستش اجتماع است. و تصریح می کند که آنچه در همه ی جوامع با عنوان دین پرستش می شود، چیزی جز نمود عینی و غلبه ی اقتدار اجتماع نیست. (فولادی، ۱۳۸۹). کارل مارکس نیز منشا دین را طبقه حاکم معرفی می کند. از نظر مارکس دین بعد از مالکیت و بعد از آنکه جامعه به دو گروه استثمارگر و استثمار شده، غنی و فقیر تقسیم شد، پیدا شده است. بنابراین دین را طبقه ی حاکمه وضع کرده اند. (شکوهی، ۱۳۸۵ به نقل از مطهری ۱۳۷۵). اما در بین اندیشمندان اسلامی علامه طباطبایی و شهید مطهری با نقد نظرات فوق در باب منشاء دین عامل پیدایش دین را فطرت و عقل انسان معرفی می کنند. در این زمینه شهید مطهری اذعان می کند که منشاء پیدایش دین از یک سو تمایلات فطری و از سوی دیگر طبیعت عقلانی بشر است. (شکوهی، ۱۳۸۵). و علامه طباطبایی نیز در عین حال که عقل و وجدان (فطرت) انسان را منشاء پیدایش دین و توجه انسان به خدا می داند، نقش جامعه را در ظهور

1. Anglo-French religion

2. Religion. (n.d.). In Online Etymology Dictionary-webster

3. Longman

5. Bertrand Russell

6. Auguste Comte

7. Ludwig Feuerbach

8. Karl Heinrich Marx

۴. البته چنین امری ناظر بر فلاسفه غرب است.



دین نادیده نمی‌گیرد. و به‌طور کلی در نقد کسانی که منشاء دین را عوامل روانی و یا اجتماعی می‌دانند؛ بیان می‌دارد که، پیش فرض آنها چنین می‌شود که عامل عقلانی و منطقی یا تمایل فطری و ذاتی انسان گرفته شده است و گویی اصلاً در کار نبوده است. (علمی، ۱۳۸۲).

### ۳. تعاریف:

در طول تاریخ تعاریف بسیار زیادی از دین ارائه شده است به طوری که در چند قرن قبل اندیشمندان بسیاری اقدام به گردآوری این تعاریف کردند که افزون بر صدها تعریف برای دین یافت شد اما امروزه گردآوری تعاریف دین امری محال است زیرا در این زمینه بی‌شمار تعاریف می‌توان یافت و به نوعی می‌توان به ازای هر فرد یک تعریف از دین پیدا نمود. لذا ارائه یک دسته بندی کلی از تعاریف برای جلوگیری از سردرگمی‌های احتمالی لازم می‌آید. با نظر به این مطلب اندیشمندان گوناگونی دسته بندی‌هایی از تعاریف دین ارائه داده اند عده ای این تعاریف را براساس ادیان الهی و غیرالهی ارائه داده اند و عده ای دیگر این تعاریف را به سه دسته تعاریف عقل گرایانه، عمل گرایانه و عاطفه گرایانه (یا اراده گرایانه) تقسیم بندی کرده اند. و ... در این مقاله سعی به عمل آمد تا تعاریف دین براساس اندیشمندان جامعه شناسی و روان شناختی که غالباً اندیشمندان غربی هستند و همچنین اندیشمندان اسلامی که به نوعی می‌توان نمایندگی شرق را بدان‌ها نسبت داد؛ ارائه گردد.<sup>۱</sup>

۱-۳. از دیدگاه اندیشمندان جامعه شناسی:

16

-امیل دورکیم: دورکیم یکی از جامع‌شناسان کلاسیک است که با نظریه کارکردگرایی خود عامل اصلی توسعه رشته جامع‌شناسی پرورشی در اوایل قرن بیستم شد. وی با نگاه اجتماعی خاص خود؛ «دین را نظام واحدی از باورداشت‌ها و عملکردهای مرتبط با امور مقدس می‌داند، اموری که جدا از چیزهای دیگر انگاشته شده و در زمره محارم به شمار می‌آیند؛ این باورداشت‌ها و عملکردها همه کسانی را که به آنها پایبند هستند در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام کلیسا گرد می‌آورد.» (دورکیم، ص ۶۲ به نقل از علمی، ۱۳۸۲)

-ادوارد اسکرینبرامز<sup>۲</sup>: پرفسور اسکرینبرامز با تاکید بر جنبه‌ی اجتماعی؛ دین را اینگونه تعریف می‌کند: «دین عبارت است از آگاهی به متعالی‌ترین ارزشهای اجتماعی». (هیوم، ۱۳۸۷، ص ۲۵)

-ماکس وبر<sup>۳</sup>: ماکس یکی دیگر از جامعه‌شناسان مطرح جهان دین را به عنوان «هر مجموعه مفروضی از پاسخهای محکم و منسجم به معماهای هستی بشر - مانند تولد، ناخوشی یا مرگ - که معنایی برای جهان و زندگی به وجود می‌آورند، تعریف می‌کند.» (بهداروند، ۱۳۸۳)

### ۳-۲. از دیدگاه اندیشمندان روان‌شناختی:

-ویلیام جیمز<sup>۴</sup>: «دین آن‌طور که اکنون از شما می‌خواهم دواطلبانه آن را بپذیرید، باید برای ما به معنی احساسات، اعمال و تجربیات هر یک از افراد در خلوت تنهایی خودشان باشد البته تا جایی که خود را در ارتباط با هر آنچه الهی می‌پندارند می‌بینند.» (هیوم، ۱۳۸۷، ص ۲۶).

<sup>۱</sup>. رجوع شود به دشواری تعریف دین و رهیافتها (یزدانی، ۱۳۸۹). عده ای این تعاریف را براساس ادیان الهی و غیرالهی ارائه داده اند و عده ای دیگر این تعاریف را به سه دسته تعاریف عقل گرایانه، عمل گرایانه و عاطفه گرایانه (یا اراده گرایانه) تقسیم بندی کرده اند.  
<sup>۲</sup>. بدیهی است که تقسیم بندی‌های متعدد دیگری هم قابل انجام است.

<sup>۳</sup>. Edward Scribner Ames

<sup>۴</sup>. Max Weber

<sup>۵</sup>. William James





-هیوم<sup>۱</sup>: «دین را به عبارت ساده می‌توان چنین تعریف کرد که: جنبه‌ای از تجربیات و از جمله افکار، احساسات و فعالیت‌های فرد است که بدان وسیله کوشش می‌کند تا در رابطه با آنچه الهی می‌پندارد، یعنی قدرت بسیار متعالی و ارزشی که جهان را کنترل می‌کند، زندگی کند.» (هیوم، ۱۳۸۷، ص ۲۱)

۳-۳. از دیدگاه اندیشمندان اسلامی:

-شهید مطهری:

شهید مطهری در بیان تعریف دین به این نکته اشاره می‌کند که از نظر قرآن دین خدا از آدم تا خاتم یکی بوده است زیرا همه ی پیامبران اعم از پیامبران دارای شریعت و پیامبران غیر صاحب شریعت، انسان‌ها را به یک مکتب دعوت می‌کرده‌اند لذا معتقد است دین آن اصولی است که بین مکاتب همه پیامبران یکی بوده است و آن اسلام است. که بهترین معرف دین محسوب می‌شود. (مطهری، ۱۳۸۹)

-آیت الله جوادی آملی:

«دین به مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی گفته می‌شود که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسانها باشد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱ به نقل از اکبری و واعظ جوادی، ۱۳۹۴)

-علامه طباطبایی:

علامه طباطبایی در مباحث گوناگونی، به مساله دین پرداخته و تعاریفی از دین ارائه نموده‌اند. در یک معنا وی با تاکید بر این که دین، سنتی عملی است که بر اساس مساله جهان بینی و معرفت شناسی بنیان گرفته، به تفاوت این اعتقاد با علم استدلالی و یا تجربی که پیرامون عالم و آدم بحث می‌کند اشاره می‌کند و بیان می‌دارد: دین نظام عملی مبتنی بر اعتقاد است که مقصود از اعتقاد در این مورد، تنها علم نظری نیست؛ هر چند که علم نظری برای آن نیز ضرورت دارد؛ زیرا علم نظری به تنهایی مستلزم عمل نیست؛ بلکه مقصود از اعتقاد، علم به وجوب پیروی بر طبق مقتضای علم قطعی است. (بهداروند، ۱۳۸۳)

البته علامه طباطبایی در برخی آثار دیگر خود تعریف خاص تری از دین ارائه نموده است. به این صورت که «دین عبارت است از روش خاصی در زندگی دنیا که هم صلاح زندگی دنیا را تأمین میکند و هم درعین حال، با کمال اخروی و زندگی دائمی و حقیقی در جوار خدای تعالی موافق است (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۱۹۴ به نقل از یزدانی، ۱۳۸۹)

#### ۴. تحلیل و جمع بندی از مفهوم دین:

برای فهم دین هر یک از دین پژوهان، اندیشمندان و فلاسفه و... براساس رویکردی خاص، دین را تعریف نموده‌اند؛ و ابعادی از دین را نمایان ساخته‌اند اما در بر گرفتن همه ابعاد دین، هر کدام نارسایی‌هایی داشته‌اند. لذا برای برطرف ساختن این نقیصه و دستیابی به فهم جامع و دقیق از دین راههایی برداشته شده است.

در این مسیر عده‌ای در صدد یافتن مفاهیم مشترک تعاریف برآمدند<sup>۲</sup> تا به یک تعریف جامع از مشترکات دست یابند. اما بدلیل گستردگی ادیان رسیدن به چنین اشتراکی سخت می‌نماید. و عده‌ای در صدد یافتن شاخص‌ها و معیارهایی برای

<sup>۱</sup> . David Hume

<sup>۲</sup> . صرفا ادیان آسمانی.

<sup>۳</sup> . تفاوت ادیان [آسمانی] مختلف فقط در سلسله مسائل فرعی و شاخه‌هایی بوده است که برحسب مقتضیات زمان و خصوصیات محیط و ویژگی‌های مردم متفاوت بوده است. (مطهری، ۱۳۸۹)

<sup>۴</sup> . نتایج حاصله از آن را این چنین بیان نموده‌اند که وجه اشتراک و شاخص اصلی ادیان، ۱. ایدئولوژی ۲. قداست و ۳. نجات و رستگاری می‌تواند باشد.



دین بودند اما این نیز با وجود برطرف کردن مشکلات قبلی دارای نارسایی هایی می باشد عده ای هم معتقدند که بجای پرداختن به تعاریف ماهوی دین، اقدام به تعاریف مفهومی دین چاره ی کار است. که این مورد هم، به رسیدن به تعریف جامع از دین منجر نمی شود و... بنابراین باید قبول کرد که رسیدن به یک تعریف جامع از دین حداقل تا به امروز امکان پذیر نبوده است و حتی ارائه معیارها و ملاک های تعریف هم خود منوط به عواملی است که آن هم لازم است معیارهایی برای آن اتخاذ شود که آن هم در واقع دور به وجود می آورد. اما بعنوان جمع بندی از مباحث و تحقیقات انجام شده در این بخش از مقاله، می توان نتیجه گرفت که تعریف دین، در هر مکتبی بستگی به فهم آن مکتب از مفاهیم انسان، هستی، خدا و رابطه انسان با هر یک از آنها دارد. و با توجه به اینکه نوع نگاه مکاتب به هر یک از این مفاهیم با یکدیگر تفاوت چشم گیری دارد تعاریف حاصله از دین در هر مکتب با مکاتب دیگر نیز تفاوت فاحشی خواهد داشت. بنابراین هر یک از گام هایی که برای یافتن تعریف جامع از دین برداشته شده است؛ شکست ها و عدم توفیق های حاصله، خود شاهی بر این مدعای نویسنده است.

### ج) تربیت دینی:

#### ۱. پیشینه:

تربیت دینی به انگلیسی Religious education در آغاز برای آموزش و انتقال آداب و رسوم و در طی مراسمات دینی و عضویت رسمی در قبیله ها بکار رفته است. و به تدریج به دلیل گستردگی مفاهیم تربیت و دین و تطور معنایی آنها، معنای گوناگونی بر تربیت دینی نیز مترتب شده است.

اندیشمندان در طول تاریخ از منظرهای مختلفی به آن نگریسته اند. در حال حاضر تربیت دینی در اروپا در شبکه تحقیقاتی انریکا<sup>۱</sup> دنبال می شود. که این مرکز در سال ۱۹۹۹ به عنوان محلی برای همکاری متقابل و بازتاب نقش متغیر تربیت دینی ایجاد شده است. (برگلاند و همکاران، ۲۰۱۶، ص ۲۳). اما به طور کلی نوع مواجهه با تربیت دینی تا حدودی متنوع است که در ادامه گزیده ای از آنها بیان می گردد.

#### ۲. ضرورت پرداختن به تربیت دینی:

در بیان ضرورت پرداختن به تربیت دینی همین بس که از حدود ۸ میلیارد از جمعیت روی این کره خاکی، ۷ میلیارد نفر از آنها یعنی چیزی حدود ۸۷ درصد مردم دیندار هستند و به این ترتیب به طور طبیعی هر جامعه ای با موضوع دین و تربیت دینی مواجه خواهد بود.

#### ۳. راههای مواجهه با تربیت دینی:

راههای مواجهه با تربیت دینی بسیار متنوع است که در ادامه سه نمونه از آن ذکر می شود:

<sup>۱</sup>. تعریف دین از طریق مشخصه ی دین ساز ویلیام آلتون و تعریف دین از طریق شباهت خانوادگی ویتگنشتاین.

<sup>۲</sup>. رجوع شود به تعریف دین در کلام و فلسفه دین و تعریف اقلی و اکثری (سلیمانی، ۱۳۹۶).

<sup>۳</sup>. لازم به ذکر است که در اینجا تعریف دین به معنای عام مدنظر است و اگر تعریف دین به معنای خاص مدنظر باشد هر دین با توجه به معیارهایی که از رهبران، عالمان و کتب مقدس خود می گیرد قابل تعریف است.

4. ENRECA



۱-۳. گراس<sup>۱</sup> به نقل از شراینر<sup>۲</sup> سه نوع مواجهه با تربیت دینی را مطرح می‌کند: «۱. آموزش به دین ۲. آموزش درباره دین ۳. آموزش از دین» (شراینر، ۲۰۰۲، ص ۸۶، به نقل از گراس، ۲۰۱۱).

گراس در توضیح هر کدام بیان می‌دارد که "آموزش به دین" به این معناست که دانش آموزان را به یک سنت ایمانی خاص برسانیم. و در "آموزش درباره دین"، دانش آموزان می‌آموزند که دین، برای معتقدان به یک دین خاص، چه معنایی و مفهومی دارد. در "آموزش از دین"، از دانش آموزان انتظار می‌رود که با در نظر گرفتن پاسخ‌های متفاوتی، برای سوالات عمده اخلاقی و دینی؛ دیدگاه‌های خود را توسعه دهند. (گراس، ۲۰۱۱).

۲-۳. در برخورد با تربیت دینی می‌توان برداشت متفاوت دیگری نیز داشت بعنوان نمونه می‌توان تربیت دینی را به مانند یک ترکیب دید که در این صورت معنایی مختلفی از آن مترتب می‌شود: اول، تربیتی که منسوب به دین است؛ دوم، تربیتی که برای دین است.

در برداشت اول تربیت دینی به معنای تربیتی است که محتوای خود را از دین می‌گیرد؛ و در مقابل تربیتی است که محتوای خود را از غیر دین، مثلاً از تجربه و عقل و علم بشری می‌گیرد. در برداشت دوم تربیت دینی یعنی تربیتی که در خدمت اهداف دین است، خواه محتوای آن از دین گرفته شده باشد یا نباشد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸)

۳-۳. در تقسیم بندی دیگری بحث از تربیت دینی به معنای یک نظریه مطرح است. که گاهی تربیت دینی یا به معنای عام و گسترده در نظر گرفته می‌شود؛ و با رویکردهای متفاوتی به تربیت دینی پرداخته می‌شود. از جمله رویکرد استنباطی یا مستقیم؛ که بر این اساس، منظور از تربیت دینی، تهیه برنامه جامعی از تربیت، از نظر عناصر مختلف تربیتی (اهداف، مبانی، اصول و روش‌های تربیت)، یا شئون مختلف تربیتی (جسمانی، عقلانی، اخلاقی، اجتماعی، شهروندی، ...) با رجوع به وحی الهی است. (بلندهمتان و نقیب زاده، ۱۳۸۷). یا رویکرد تاریخی یا غیر مستقیم؛ که در این حالت به گفتار و نوشتار اندیشمندان یک دین مراجعه نموده تا با استخراج پیش فرض‌های فکری آنان در خصوص انسان، جهان، اخلاق و ... نظریه‌های درباره تربیت انسان‌ها به دست آورده شود. (اعرافی و همکاران به نقل از ۱۳۷۹-۱۳۸۱ به نقل از بلندهمتان و نقیب زاده، ۱۳۸۷).

و گاهی تربیت دینی به معنای خاص مورد توجه است. که در این صورت هدف از تربیت دینی این است که فردی دیندار تربیت شود.

و گاهی تربیت دینی از نگاه فلسفی به آن نگریسته می‌شود که در آن فرد به شیوه‌های عقلانی از تربیت دینی دفاع کرده یا آن را به نقد می‌کشد.

بدیهی است مشابهت‌هایی در نوع ورود و مواجهه با تربیت دینی که در تقسیم بندی فوق ذکر شد وجود دارد، اما در عین حال هر یک از آنها تاثیر مستقیمی در نوع برداشت و تلقی ما از تربیت دینی دارد و می‌تواند تا حدودی تعیین کننده ی راهبردهای اتخاذ شده در تربیت دینی باشد. نویسندگان در این مقاله تقسیم بندی دوم را دنبال می‌کند.

#### ۴- تعاریف تربیت دینی:

در اینجا سه نمونه از تعاریفی که از تربیت دینی شده است می‌آوریم.

<sup>1</sup> . Gross, Zehavit

<sup>2</sup> . Schreiner



۱-۴. تربیت دینی به آموزش‌های سیستماتیکی گفته می‌شود که در ارتباط با ایمان و اعمال خاصی است که در دسته امور مذهبی قرار می‌گیرند. و شامل بسیاری از مفاهیم از جمله برنامه ریزی‌های سازمانی و میراث ملی است. (گراس، ۲۰۱۱)

۲-۴. تربیت دینی عبارت است از «آشنا کردن فرد با وظایف دینی و آداب شرعی آنگونه که آنها را بپذیرد و در عمل به کار بندد، بنابراین در تربیت دینی هدف توجه به جهات علمی و دین‌آموزی نیست بلکه خودشناسی، خداشناسی و خودسازی، هدف است تا انسان را به کمال برساند.» (مغفوری فرسنگی و همکاران، ۱۳۹۳)

۳-۴. تربیت دینی عبارت است از «مجموعه اعمال عمدی و هدفدار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند. بنابراین، تربیت دینی منحصر به مسجد، کلیسا یا مدرسه علمیه نمی‌شود، بلکه در هر جای ممکن است تلاش هدفدار به منظور آموزش معارف دینی صورت گیرد، خواه مسجد باشد یا خیابان یا منزل یا هر جای دیگر.» (اخلاقی، ۱۳۸۸)

#### ۴- تحلیل و جمع‌بندی از مفهوم تربیت دینی:

نسبت میان تعاریف مختلفی که از تربیت و دین شده است در مواجهه و برداشت ما از تربیت دینی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. لذا تاکید هر کدام از تعاریف بر وجهی از مفاهیم آن، تاثیرات و پیامدهای مستقیمی بر مفهوم تربیت دینی خواهد گذاشت. لذا با تسامح از این مطلب، تربیت دینی را به‌طور اجمالی می‌توان به‌صورت ذیل ارائه نمود: فارغ از اینکه تربیت را منوط بر دین در نظر بگیریم یا دین را منوط به تربیت بدانیم در هر دو حالت یک نتیجه را بدنبال خواهد داشت؛ اگر تربیت منوط بر دین بود: نوع نگاه به انسان در دین مورد نظر سنگ بنای اول را می‌نهد. «زیرا همه‌ی اجزای یک نظام تربیتی، اعم از مفاهیم، تمثیل‌ها، اهداف، اصول، روش‌ها و مراحل تربیت، به نحوی ناظر به وضع انسان است.» (باقری، ۱۳۹۰، ص ۱۵) مثلاً در دینی مانند یهود که نوع نگاه به انسان چنین تعبیر می‌شود: «انسان یهود بشدت به مادیت آغشته است و روح او جنسی شبیه باد یا هوا دارد، ذاتی گناه‌آلود که از آن لاجرم و حتی مجبور به گناه است.» (پروانی، ۱۳۸۴، ص ۴۴) این تصور از انسان، تربیت دینی را جهت می‌دهد ولی بدلیل چنین برداشتی سطحی از انسان، تربیت دینی به همان اندازه سطحی و کم عمق خواهد بود. لذا در هر دینی نوع نگاه به انسان تعیین‌کننده و نقشه راه است. و پس از آن، با مشخص شدن تربیت نه به معنای خاص بلکه عام و نه در یک بُعد بلکه در تمام ابعاد می‌بایست لحاظ شود. و در گام آخر با تلفیق این دو مفهوم با هم تربیت دینی معنا می‌یابد. به این صورت که تمامی اصول و ملاحظات که برای تربیت عنوان شد و به‌صورت یک تعریف جامع درآمد در اینجا ذیل چارچوب دین مورد نظر سیکل می‌خورد. در این شرایط اگر نگاه آن دین به انسان به هستی و خدا و رابطه انسان با آنها، نگاهی جامع و دقیق بود تربیت دینی حاصل از آن پویا و مترقی خواهد بود. اما اگر این موارد دارای تناقض‌های کلی و جزئی و یا سطحی و بدون عمق باشد؛ تربیت دینی مذکور با شکست مواجهه می‌شود و حتی اگر در عمل تربیت به شکل صحیحی ارائه شود، همان ناهماهنگی‌های سیستماتیک را بازتولید خواهد کرد. اما در سوی دیگر اگر دین منوط به تربیت بود: همان روند قبلی و در جهت عکس قابل استنباط خواهد بود. یعنی اگر فهم درستی از تربیت، چه در نظر و چه در عمل حاصل شد هر دینی با چارچوب و اصول خود ذیل تربیت سیکل خواهد خورد اما باز اینجا این چارچوب و اصول دین است که در نهایت نتیجه مطلوب (و یا نامطلوب) را رقم خواهد زد.



### نتیجه گیری:

پژوهش حاضر به منظور تحلیل و بررسی تربیت دینی، با نگاهی تحلیلی و مستقل به دو مفهوم کلیدی تربیت و دین پرداخت و سپس با تحلیل و بررسی ترکیب این دو مفهوم، تصویری از تربیت دینی ارائه داد. اولین یافته‌ای که در پژوهش حاضر بدست آمد، این بود که علی‌رغم اینکه رسیدن به یک تعریف جامع از تربیت، ممکن به نظر می‌رسد ولی رسیدن به یک تعریف جامع و واحد از دین امکان‌پذیر نیست. با این وجود تربیت دینی با توجه به نوع دینی که با آن مواجه هستیم دست‌خوش تغییر است. یافته‌های به دست آمده در این پژوهش نشان داد بدلیل وابستگی عمیق تربیت دینی به موضوع دین نمی‌توان به راحتی تعریفی جامع از تربیت دینی ارائه نمود که به‌طور عام و کلی قابل پذیرش در همه‌ی جوامع و با دیدگاه‌های مختلف باشد. لذا با توجه به این موضوع، با فرض رسیدن به یک فهم جامع و عام از تربیت؛ به تعداد ادیان موجود در جهان، تربیت دینی خواهیم داشت. لذا چنین نتیجه‌ای ما را به این مهم می‌رساند که با وجود اهمیت غیر قابل انکار تربیت، در ترکیب تربیت دینی؛ دین، در این ترکیب، نقش تعیین‌کننده‌تری را بازی می‌کند لذا در ترکیب تربیت دینی، می‌توان از دین بعنوان زیربنای (Base) و از تربیت بعنوان روبنا (Superstructure) تعبیر کرد. که هر دو در تأثیر و تأثر با یکدیگر تربیت دینی را معنا خواهند کرد و به‌دنبال آن همه‌ی اجزای نظام تربیتی، اعم از اهداف، محتوا، روش‌ها و مراحل تربیتی بازتعریف می‌شوند.

- القرآن الکریم.
- اختری، علی (۱۳۹۷). تبیین معنای تربیت در زبان فارسی معاصر، کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی - اجتماعی.
- اعرافی، علیرضا و موسوی، سید نقی (۱۳۹۱). تعریف تربیت و تطبیق آن بر حرکت فلسفی. فصلنامه علمی تربیت اسلامی، ۷(۱۴)، ۲۸-۷.
- ایروانی، شهین (۱۳۸۴). تحلیلی بر سرگذشت تاریخی زن: با تأکید بر هویت تاریخی زن مسلمان. چاپ اول، قم: انتشارات دریا.
- باقری، خسرو (۱۳۹۸). گفتگوی معلم و فیلسوف. چاپ چهارم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- باقری، خسرو (۱۳۹۰). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، جلد اول، چاپ چهل و هفتم، تهران: انتشارات مدرسه.
- باقری، خسرو؛ سجادیه، نرگس و توسلی، طیبه (۱۳۹۹). رویکردها و روش های پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت. چاپ سوم، تهران: انتشارات مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بلندهمتان، کیوان و نقیب زاده، میرعبدالحسین (۱۳۸۷). فرا- فلسفه تربیت دینی. تربیت اسلامی، ۳(۶)، ۲۶-۹.
- بهداروند، محمدمهدی (۱۳۸۳). تحلیل مفهومی دین. رواق اندیشه، شماره (۳۰)، ۱۰۱-۷۷.
- جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸). مجموعه مقالات همایش تربیت دینی، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پرورشی امام خمینی (رحمه الله).
- حسینی، افضل السادات (۱۳۹۹). سیر آراء تربیتی در غرب [جزوه سیر آراء تربیتی غرب]. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
- سلیمانی، عبدالرحیم (۱۳۹۶). تعریف دین در کلام و فلسفه دین و تعریف اقلی و اکثری. فلسفه دین، ۱۴(۲)، ۳۷۵-۳۹۷.



سليمی، لادن و طاهرقلی، معصومه (۱۳۹۷). *جان دیویی و اهداف تربیتی آن در آموزش و پرورش*، ششمین همایش ملی مطالعات و تحقیقات نوین در حوزه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره ایران، تهران. شاهرخی، مسلم؛ شیر، محمد و حمیدی زاده، کتایون (۱۳۹۰). *رویکردهای تربیت دینی*، اولین همایش ملی آموزش در ایران ۱۴۰۴، تهران.

شرفی، محمدرضا (۱۳۹۹). *تعلیم تربیت اسلامی پیشرفته*. دانشگاه تهران، چاپ نشده. شکوهی، علی (۱۳۸۵). *دین شناسی استاد مطهری*. اندیشه حوزه، شماره ۵۸. شکوهی، غلامحسین (۱۳۹۹). *مبانی و اصول آموزش و پرورش*. چاپ چهل و دوم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی. صفائی حائری، علی (۱۳۸۵). *مسئولیت و سازندگی*. چاپ اول، قم: انتشارات لیله القدر. علمی، قربان (۱۳۸۲). *بررسی منشا دین از دیدگاه دور کیم و طباطبایی*. الهیات و معارف اسلامی (مطالعات اسلامی)، ۵۹، ۵۶-۹۰.

فولادی، حفیظ الله (۱۳۸۹). *دین و دینداری در اندیشه شهید مطهری (ره)*. فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و علوم اجتماعی، ۴۲، ۱۴۱-۱۲۱.

کاردان، علیمحمد (۱۳۹۷). *سیر آراء تربیتی در غرب*. چاپ دهم، تهران: انتشارات سمت. گرجیان، محمدمهدی و افشارپور، مجتبی (۱۳۹۲). *عنوان فارسی: دین فطری، فطرت دینی (منشا دین و گرایش به آن از دیدگاه استاد مطهری (ره))* (عنوان عربی: الدین الفطری، الفطرة الدینیة (منشأ الدین والمیل إلیه من وجهة نظر الأستاذ مطهری)). معارف عقلی، ۸ (۲ (پیاپی ۲۷))، ۴۷-۸۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی: وحی و نبوت*، جلد سوم، چاپ بیست و نهم، تهران: انتشارات صدرا.

مغفوری فرسنگی، مریم؛ پورغریب شاهی، مرضیه و سیفی، طاهره (۱۳۹۳). *ماهیت تربیت دینی و تربیت اخلاقی*، همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران (۵).

**مفهوم جامع دین - ویکی فقه**. (بی تا). ویکی فقه دانشنامه حوزوی. بازبای شده در ۱۴۰۰/۰۶/۲۸، از "<http://wikifqh.ir/%D9%85%D9%81%D9%87%D9%88%D9%85%D8%AC%D8%A7%D9%85%D8%B9%D8%AF%DB%8C%D9%86%D9%85%D8%B9%D8%A7%D9%86%DB%8C%20%D9%84%D8%BA%D9%88%DB%8C%20%D8%AF%DB%8C%D9%86>" ندلولو، بیت الله (۱۳۹۰). *نظریه بازی های زبانی ویتگنشتاین: یک نظرگاه فلسفی پست مدرن درباره زبان*. غرب شناسی بنیادی، ۱(۲)، ۸۷-۱۰۰.

هیوم، رابرت ارنست (۱۳۸۷). *ادیان زنده جهان*. ترجمه عبدالرحیم گواهی، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات: نشر علم.

Berglund, J., Shanneik, Y., & Bocking, B. (Eds.). (2016). **Religious education in a global-local world** (Vol. 4). Springer.

**Educate** | Search Online Etymology Dictionary. (n.d.). Online Etymology Dictionary. Retrieved August 13, 2021, from <https://www.etymonline.com/search?q=Educate+>

**Education** | meaning of education in Longman Dictionary of Contemporary English | LDOCE. (n.d.-a). Longman. Retrieved August 13, 2021, from <https://www.ldoceonline.com/dictionary/education>

**Education** | Search Online Etymology Dictionary. (n.d.). Online Etymology Dictionary. Retrieved August 13, 2021, from <https://www.etymonline.com/search?q=education>.

Gross, Z. (2011). **Religious Education: Definitions, Dilemmas, Challenges, and Future Horizons**. International Journal of Educational Reform, 20(3), 256-276.

# 12<sup>th</sup> National Conference on Management & Humanistic Science Research in Iran

14 September 2022 - University of Tehran

دوازدهمین همایش ملی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران

محل برگزاری: دانشگاه تهران

۲۳ شهریور - ۱۴۰۱



**Instruction** | meaning of instruction in Longman Dictionary of Contemporary English | LDOCE. (n.d.). Longman. Retrieved August 13, 2021, from <https://www.ldoceonline.com/dictionary/instruction>

**Instruction\_1** noun - Definition, pictures, pronunciation and usage notes | Oxford Advanced Learner's Dictionary at OxfordLearnersDictionaries.com. (n.d.). Oxford Learner's Dictionaries. Retrieved August 14, 2021, from [https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/instruction\\_1?q=Instruction](https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/instruction_1?q=Instruction).

**Learning** | meaning of learning in Longman Dictionary of Contemporary English | LDOCE. (n.d.). Longman. Retrieved August 13, 2021, from <https://www.ldoceonline.com/dictionary/learning>

**Learning** | Search Online Etymology Dictionary. (n.d.). Online Etymology Dictionary. Retrieved August 14, 2021, from <https://www.etymonline.com/search?q=Learning+>

**Learning** noun - Definition, pictures, pronunciation and usage notes | Oxford Advanced Learner's Dictionary at OxfordLearnersDictionaries.com. (n.d.). Oxford Learners Dictionaries. Retrieved August 13, 2021, from <https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/learning?q=Learning>

**Religion** | Search Online Etymology Dictionary. (n.d.). Online Etymology Dictionary. Retrieved August 14, 2021, from <https://www.etymonline.com/search?q=Religion>

**Teaching** | meaning of teaching in Longman Dictionary of Contemporary English | LDOCE. (n.d.). Longman. Retrieved August 13, 2021, from <https://www.ldoceonline.com/dictionary/teaching>.

**Teaching** noun - Definition, pictures, pronunciation and usage notes | Oxford Advanced Learner's Dictionary at OxfordLearnersDictionaries.com. (n.d.). Oxford Learners Dictionaries. Retrieved August 13, 2021, from <https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english/teaching?q=teaching>

**Training** | meaning of training in Longman Dictionary of Contemporary English | LDOCE. (n.d.). Longman. Retrieved August 13, 2021, from <https://www.ldoceonline.com/dictionary/training>.

**Training** | Search Online Etymology Dictionary. (n.d.). Online Etymology Dictionary. Retrieved August 13, 2021, from <https://www.etymonline.com/search?q=Training+>